



نشریه علمی فرهنگی
 دانشگاه فردوسی مشهد
 شماره اول
 نیمه دوم آذر ماه ۱۳۹۵

دوهفته نامه علمی فرهنگی صبح

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

زهرا نظافت یزدی

هیئت تحریریه:

سید محمد حسن قاسمی، محمد باقری، صهبا رجایی،

سیده ریحانه یامی، معصومه هاشمی، فاطمه دهقانی،

عالیه ایزدی

کاریکاتوربست: زهرا معصومی

طرح و صفحه آرا: احمد قربانی پور

دانشجو یا کنسل جو؟

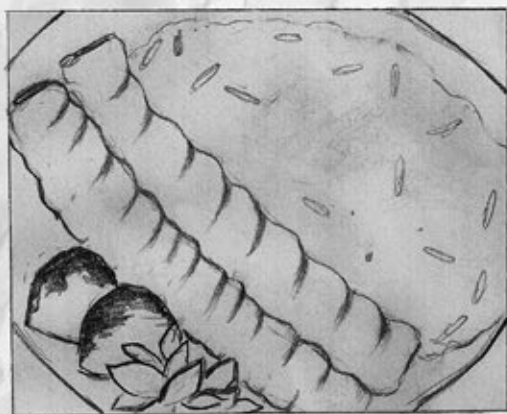
امام (ره) این تفکر را به چالش کشید صفحه ۲

سه فیلم سه فروشنده صفحه ۳

۴ سوال از ۴ دبیر تشکل صفحه ۴ و ۵

علوم انسانی از اسلامیزه تا ایرانیزه صفحه ۷

عذای سلف

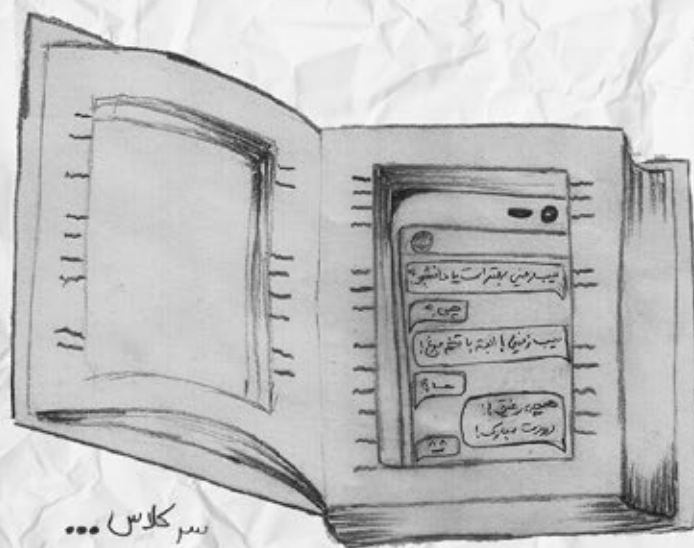


در نگاه اول 😎 😍 😊

وقتی میخوای بخوری 🤢

پس او صرف عذای 😞

استفاده از بیغ شکن الزامی است ⚠️



سر کلاس ...

یه روز عادی!!!

امام (ره) این تفکر را به چالش کشید

خصوصیات را ندارم؛ پس هنگامی که خود را به عنوان عبد خداوند معرفی می کنیم، باید این را هم اعلام کنیم که بنده چه کسانی نیستیم و با چه افرادی مبارزه می کنیم و اگر این مرزکشی وجود نداشته باشد، موجودیت ما به خطر خواهد افتاد.

«این سیره انبیا از صدر عالم تا زمان خاتم همین بوده است که در مقابل این قدرتهایی که ظالم بوده اند ایستند... مقصد این بوده است که ریشه استکبار را از جهان بکنند» (همان، ج ۱۶، ص ۱۰) اما اینکه چرا کشورهایی که خود را ابرقدرتهای جهان می دانند با ما مبارزه میکنند کاملاً واضح و مبرهن است؛ آنها می دانند که تنها نیرویی که می تواند آنان را از صحنه خارج کند اسلام است» (همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸)

چگونه می توان با استکبار مبارزه کرد؟

در درجه اول باید زیر بار زورگویی ها و تحمیل مستکبرینی چون آمریکا نرفت (مقام معظم رهبری، ۹۲/۸/۱۲) و سپس با آگاهی از توطئه و خدعه هایشان - مانند ایجاد تفرقه (همان، ج ۱۹، ص ۱۱۰) و «دور کردن مردم از صحنه های انقلاب و گسستن پیوند های پولادین آنان» (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۳) - راه نفوذ را بر آنان بست.

مورد اول، در حوزه های مختلف مثل حوزه اقتصاد گسترش می یابد، «استکبار فقط دستگاه سیاسی نیست، دستگاه مالی گاهی مهم تر و موثرتر است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۹/۴) همان طور که میدانیم بعد از جنگ تحمیلی تا کنون ملت ایران تحت تحریم اقتصادی کشورهایی نظیر آمریکا قرار دارند و این مورد، حربه مهمی برای اعمال فشار به کشورمان شده است حال اگر ما بخواهیم در این زمینه زیر بار زورگویی های آنان نرویم آیا راهی به غیر از اتکا به نیروی داخل و تلاش برای کاهش وابستگی به کشورهای دیگر - به عبارتی همان اقتصاد مقاومتی - داریم؟ «این (مبارزه با استکبار) در واقع آن روی اقتصاد مقاومتی است» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۱/۲۴)

ممکن است این سوال پیش بیاید که تا چه زمانی باید در این مسیر قدم برداشت؟ مبارزه تا کی؟

اولا باید بدانیم که «تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست ما هستیم!» (صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸۸)

ثانیا «این (مبارزه با استکبار) جزو کارهای اساسی است جزو مبانی انقلاب است، یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد ما اصلاً تابع قرآن نیستیم» و «مبارزه با استکبار تعطیل پذیر نیست» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۴/۲۰)

مبارزه ما با شرک و کفر و ظلم تا آن زمان ادامه می یابد که وعده الهی در مورد مستضعفان جهان محقق شود «و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» (قصص، ۵)؛ تا زمانی که صلح در تمام جهان حاکم شود و این «بسته به انقضای مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده نمی رسند» (صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۴) در پایان، سخن را با این مناجات و دعای امام (ره) به پایان می رسانیم:

«خداوند! تو می دانی که ما سرسازش با کفر را نداریم. خداوند! تو می دانی که استکبار و امریکای جهان خوار گل های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوند! در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم کسی را بشناسیم. ما را یاری کن که تو بهترین یاری کننده گانی» (همان، ج ۲۰، ص ۲۴۱)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون چالش برانگیز بوده است. سیاستی که از سال ۱۹۷۹ م. خیلی از معادلات جهانی را بر هم زد و پیامدهایی را هم برای خود ایران و هم کشورهای مختلف جهان به وجود آورد.

استکبار ستیزی، یکی از اصول اساسی این سیاست خارجی است و حتی در عرصه های مختلفی نظیر اقتصاد و فرهنگ هم وارد میشود، به طوری که حتی می توان گفت «جهت حرکت [جمهوری اسلامی] به سمت استکبار است، مقابله با استکبار است.» (مقام معظم رهبری، ۹۳/۹/۶)

در متن پیش رو تلاش خواهیم کرد با محوریت اندیشه امام خمینی (رحمة الله علیه) ابتدا معنای استکبار را روشن سازیم و سپس ضمن بیان مصادیق امروزی استکبار، روش های مورد استفاده آن، دلایل عقلی و نقلی مبارزه با استکبار، شاخصه های استکبارستیزی و روند مبارزه با آن را بیان کنیم.

در اصطلاح «آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان ها و ملت های دیگر را دارد در همه کارهای آن ها مداخله می کند، برای حفظ منافع خود، خود را آزاد می داند حق تحمیل برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورهای دیگر را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست.» (مقام معظم رهبری، ۹۲/۸/۱۲) از ابتدای تاریخ تاکنون همواره عده ای که به دلایل مختلف قدرت بیشتری داشته اند تلاش کرده و می کنند که سایرین را تحت سلطه خود بیاورند، از شیطان که بر آدم تکبر ورزید «بی و استکبر و کان من الکافرین» (بقره، ۳۴)، تا فرعون که «واستکبر هو و جنوده فی الارض بغیر الحق» (قصص، ۳۹) و تا امروز که «امریکا اتم مصادیق استکبار است» (مقام معظم رهبری، ۹۴/۴/۲۰)

گاهی مستکبرین آنقدر در مسیر استعمار و استضعاف دیگران پیش رفته اند که برای برخی ملت های دیگر، مستضعف و تحت سلطه بودن، امری بدیهی و غیر قابل تغییر تلقی شده است.

اما امام خمینی (رحمة الله علیه) این تفکر را خدشه دار کرده و به چالش کشید.

سوالی که وجود دارد این است که امام بر چه مبنایی در این مسیر قدم نهاد و با ایمان و عزمی استوار، ملت های آزاده ی جهان را به قیام علیه نظام استکبار دعوت کرد؟ (ای آزادگان و احرار به پا خیزید، قدرت های بزرگ شرق و غرب میخواهند شما را در زیر چکمه ها و چنگال های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید - صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۳)

پاسخ را می توان در نظام اعتقادی و تجربیات ایشان جست و جو کرد؛ در بیانات ایشان خطاب به سفیر شوروی در ایران می خوانیم که: «ما برای حیات زیر سلطه غیر، ارزش قائل نیستیم ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می دانیم» (همان، ج ۵، ص ۱۱۴)

و از طرفی تجربه ای که ایشان از حضور کشورهایی نظیر انگلیس و امریکا و شوروی در ایران و توطئه و ظلم های فراوان آن ها نظیر کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲- که آمریکایی ها به راه انداختند و دولت مردمی مصدق را سرنگون کردند در حالی که مصدق به آنها تکیه و اعتماد کرده بود - داشتند منجر به روحیه مبارزه با استکبار در ایشان شد.

از طرفی در آیات و روایات متعدد بر این موضوع تاکید شده؛ نظیر آیه ۳۶ سوره نحل که می فرماید: «ان اعبدو الله و اجتنبوا الطاغوت»؛ اساساً نمی شود فردی خود را مسلمان بداند اما روحیه مبارزه با ظلم و زورگویی و طواغیت جهان را نداشته باشد؛ در اینجا سوالی را مطرح میکنیم: هر فرد چگونه خود را معرفی می کند؟ طبیعتاً می گوید من فلانی هستم، این خصوصیات را دارم و فلان

حکایت این مرگ بر آمریکاهایی که می گوئیم

هر سال در راهپیمایی‌ها و هر دفعه در تکبیرهایمان مرگ بر آمریکا می‌گوییم. در طول یک روز شاید در همین ایران خودمان چند صد هزار بار مرگ بر آمریکا گفته می‌شود. در روزهای راهپیمایی به چندین میلیون بار هم می‌رسد. آمریکا آن چنان که امام(ره) گفته اند شیطان بزرگ است و مستحق لعن و نفرین. در همین زمان هم مظهر اهریمن و شیطان آمریکاست، و بار دیگر پلیدی آنان همراه با ساده اندیشی بعضی مسولان خودمان را در برجام دیدیم.

شهید مهدی باکری (ره) همواره با تسبیح یک دور مرگ بر آمریکا می‌گفته است چرا که از آیت الله مشکینی شنیده بود که بعد از نمازهایتان با تسبیح یک دور مرگ بر آمریکا بگویید.

این که مرگ بر آمریکا می‌گوییم برای تذکر است تا همواره به یاد آوریم که باید از چنین دشمنی که تمام قصدش نابودی ماست دوری کنیم، اما آیا ما این کار را می‌کنیم؟ آیا بر خود متذکر می‌شویم؟

از آنجایی که نفرین و مرگ بر تمام کفر ضروری است این که همواره تذکر لسانی می‌دهیم که آمریکا نماد کفر است امری بسیار پسندیده است، اما آیا در مقام عمل نیز این شعار خود را به کار بسته ایم؟

روز قدس و ۱۳ آبان و ۲۲ بهمن، ۱۶ آذر می‌رویم تظاهرات و مرگ بر آمریکا می‌گوییم و از قضا در مسیر برگشت می‌گوییم یک

پپسی کولا خریده و بخوریم تا حالمان جا بیاید. اما آیا از خود پرسیده ایم که پول پپسی کولا در نهایت کجا می‌رود؟

چند ماه پیش از اخبار شنیدیم که وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرده است که پس از برجام میزان واردات ایران از آمریکا نه برابر شده است اما میزان واردات آمریکا از ایران مثل گذشته بوده و تغییری نکرده و صفر مطلق باقی مانده است.

متأسفانه این مرگ بر آمریکایی که می‌گوییم لقلقه زبان ما است. حکایت این، مثل همان اذانی است که در کنار سفارت انگلیس داده می‌شد و کاردار آن می‌پرسد این صدای چیست؟ فردی می‌گوید: صدای اذان است که مسلمانان با اعلام آن می‌روند نوعی از مراسم عبادی خود را انجام می‌دهند. کاردار می‌پرسد که اذان برای حکومت ما مشکلی ایجاد نمی‌کند؟ آن فرد می‌گوید که خیر، مشکلی ایجاد نمی‌کند. کاردار هم می‌گوید: کاری که برای حکومت ما مشکل ایجاد نکند بگذارید انجام دهند. حکایت این مرگ بر آمریکاهای ما هم همین گونه است. برای آمریکا و ایادی اش مشکلی ایجاد نمی‌کند. خود آمریکایی‌ها هم می‌دانند که این مرگ بر آمریکاهای مشکل خاصی برای آنان به بار نمی‌آورد.

آنان متوجه تضاد در قول و فعل ما شده‌اند. با خود می‌گویند بگذار بگویند این ایرانی‌ها در عمل جور دیگری رفتار می‌کنند. آیا ما نیز متذکر شده ایم؟ آیا تضاد رفتارمان را دریافته ایم؟

| سید محمد حسن قاسمی، علوم تربیتی ۹۲ |

سه فروشنده سه فیلم

۱- «فروشنده» در فیلم اصغر فرهادی زنی است که برای امرار معاش اقدام به تن فروشی میکند و هیچگاه نشان داده نمیشود ولی تماشاگر حضور او را در جای جای فیلم احساس میکند و کارگردان سعی میکند حس ترحم نسبت به او را در تماشاگر زنده کند.

۲- در فیلم «سیانور» صمدیه لباف در اتاق بازجویی ساواک با وحیدافراخته عضو مارکسیست هم سازمانش رو به رو می‌شود. افراخته در ازای قول تخفیف مجازاتش دوستان خود را لو میدهد. صمدیه لباف به افراخته می‌گوید: تو فروشنده ای وحید.

۳- در «یتیم خانه ایران» پزشک یتیم خانه خطاب به قهرمان فیلم می‌گوید: وطن فروشی در این مملکت نوبر نیست. تن فروش خودش به جهنم می‌رود و وطن فروش کشور را به جهنم می‌برد. یتیم خانه را ببینید. این فیلم روایت قطعه ایست گمشده از تاریخ این مرز و بوم

جالب اینجاست آنهایی که رایگان و فی سبیل الله برایمان شبکه می‌زنند، برایمان دل میسوزانند، برای کشته شدن چهار نفر در یک آشوب خیابانی ایران اشک تماش میریزند، اینجا از اکران یک فیلم ابراز نگرانی



۴ سوال از ۴

۱- چگونه تشکل های دانشجویی را حفظ کنید و مدیریت بهیشتی شوند که فرست اگر او خواب بماند

۲- چه عواملی سبب عدم دانشگاه با جامعه

۳- تشکل شما نسبت به تشکل ها و مزیت ها

۴- نظرتون رو درباره اسم ها کلمه بی

+ بسیج
+ انجمن علمی

دانشکده

۱- دانشجویان باید نسبت به حوادث جامعه آگاه و مطلع باشند و با بصیرت و آگاهی موضع گیری کنند مانند ۱۳ آبان سال ۵۸ یا همین ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ که در آن سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند. وظیفه اول دانشجو پرداختن به مسائل علمی هست اما باید به عنوان قشر فعال، پویا و فرهیخته جامعه نسبت به وقایع و مسائل روز موضع بگیرد گاهی حمایت گاهی انتقاد و گاهی مطالبه‌گری. تأثیری که قشر دانشگاهی و به خصوص دانشجو بر مردم میگذارد هیچ قشر دیگر جامعه نمی‌گذارد و باید دانشجویان بدانند چه وظیفه مهم و حساسی در جامعه دارند و این مصداق همین جمله شهید بهیشتی هست که فرمودند دانشجو مؤذن جامعه است اگر او خواب بماند نماز ملت قضا می‌شود یعنی اگر دانشجو در برابر اتفاقات جامعه عکس‌العمل نشان ندهد به ضرر مردم خواهد بود.

۲- یکی از عواملی که باعث شده دانشگاه با جامعه ارتباط گسترده‌ای نداشته باشد عدم اعتماد موسسه‌ها و ادارات با دانشجو هست. گاهی ما میبینیم که دانشجویان مشکل دارند در بازدید از مراکز و موسسه‌ها و ادارات و یا تهیه گزارش و یا پس از فارغ‌التحصیلی دانشجویان اقدام به استخدام می‌کنند اما اکثر ارگان‌ها از پذیرفتن این قشر صرف نظر میکنند. ما باید این اعتماد بین دانشگاه و ارگان‌های مختلف را به وجود بیاوریم و ثابت کنیم که خیلی از دانشجو‌ها بسیار افراد لایق و متبحری هستند. لزوم این کار ابتدا این است که دروس دانشگاهی جنبه عملی و کاربردی تری به خود بگیرند.

۳- بسیج دانشجویی تا آنجا که توانسته تلاش کرده است تا پاسخگوی تمام نیازهای دانشجویان و جامعه باشد. حوزه‌های گسترده‌ای برای فعالیت در بسیج دانشجویی وجود دارد مانند حوزه فرهنگی، سیاسی، جهادی، ورزشی، علمی و..... کمتر ارگان یا تشکلی به تمام این مسائل می‌پردازد. به طور مثال وجود گروه‌های جهادی که وظیفه خدمات‌رسانی به قشر ضعیف جامعه را دارد و در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی و عمرانی خدمات‌رسانی میکنند را میتوان در بسیج دید.

۴- بسیج: حقیقتی شبیه به افسانه‌ها جامعه اسلامی: تشکل انقلابی و پویا انجمن علمی: بازوی علم و توسعه دانشگاه دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی: مقدمه‌ساز در تحول نظام آموزش و روانشناسی کشور

متمادی، و هم چنین صحت و دقت این جهت‌گیری‌ها، نشان دهنده استحکام این تشکل بوده و مقوله‌ای است که رهبر انقلاب نیز چندین بار به آن تأکید نموده‌اند. در دیداری که رهبری در سال ۱۳۸۴ با اعضای این اتحادیه داشتند، ضمن تأکید مجدد بر مواضع صحیح و اصولی این تشکل دانشجویی فرمودند: من تشکل شما را هم که دوست دارم بخاطر همین است، این جهت‌گیری درست که با رفت‌وآمد انسان‌ها و سلاقی مختلف عوض نمی‌شود، این را مغتنم بشمارید.

۴- چشم انداز این تشکل دانشجویی، تبدیل شدن به عمده بازوی مشورتی دانشجویی رهبری، پیشرو بودن در وحدت حوزه و دانشگاه، پیشرو بودن در نهضت تولید علم و تربیت نیروهای مومن و متخصص در سطح ایران و جهان (اعم از محقق، متفکر، سخنران، روزنامه‌نگار، نظریه‌پرداز و در صورت نیاز مدیران) دیده شده است و در این راستا تقویت و توسعه دفاتر دانشگاهی، جذب و تقویت نیروهای نخبه و تقویت آنان به منظور کادرسازی برای نظام و گفتمان‌سازی برای انقلاب را از مهمترین راهها برای رسیدن به این چشم انداز می‌داند که همواره در تلاش برای رفع نیازهای مختلف دانشجویان در این زمینه‌ها بوده است.

۱- دانشجو از مهمترین ارکان هر جامعه است، در کشور ما هم دانشجویان نقش بسزایی در تمام عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... دارند. در زمان قبل و بعد از انقلاب نیز دانشجویان نقش مهمی در عرصه‌های مختلف مطابق آنچه که از این قشر انتظار می‌رود ایفا کردند و علی‌رغم تمام فراز و نشیب‌های موجود بعد از انقلاب فرهنگی نیز توانستند خط مشی جدیدی را ایجاد کنند. همچنان که پویایی، حضور جدی در مسائل مختلف، نقد، نوآوری و برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی از جمله خواسته‌های رهبری از قشر دانشجو در کشور است. فعالیت تشکل‌های دانشجویی باید در چارچوب تعریف شده و به نفع مصالح کشور باشد، اگر این فعالیت‌ها در قالب قوانین نباشد نقش تخریبی خواهد داشت و باید از این نوع عملکرد پرهیز کرد

۲- از مهم‌ترین وجوه تمایز اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان سایر تشکل‌های دانشجویی، ورود آشکار در بحث انتخابات و شناسایی و اعلام کاندیداهای اصلاح و مورد تأیید دانشجویان است. در حالی که اکثر تشکل‌های دانشجویی در مقوله انتخابات با لحاظ برخی مصلحت‌اندیشی‌ها به معرفی مصادیق و کاندیداها نمی‌پردازند. ثبات فکری و سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان در طول سالیان

دیر تشکل

۱- با پیروی از فرموده های رهبر معظم انقلاب اسلامی و خط ولایت. با توجه به نیاز روز به بحث و تبادل نظر بپردازند و جریان هایی که در حال شکل گیری است را شناسایی و مورد نقد و بررسی قرار دهند، تا به صورت فراکنشی با آنها برخورد شود ن کنشی.

۲- دانشگاهها علمی که تولید می کنند با نیازهای جامعه هم خوانی ندارد و معمولاً محتوای این علم از جوامع غربی گرفته شده که با نیازهای یک جامعه اسلامی و فرهنگ ایرانی اسلامی سازگاری ندارد و در عمل با مشکل روبرو می شود. ارتباط با جامعه هم کم است باید به طرق گوناگون مردم عادی را وارد فضای دانشگاه کنیم خصوصاً صاحبان مشاغل تا از ایده های آنها استفاده شود و بازارها مشخص شود که چه رشته هایی مورد نیاز جامعه است

۳- این تشکل با آشنایی فرزندان شاهد و ایثارگر با روحیات ایثارگران و شهدا هم از آنها در جهت ترویج روحیه جهادی کمک گرفته هم به خود آنها در این زمینه کمک می کند. این فرزندان می توانند همچون مبلغان در میان مردم این روحیه را تزریق کرده تا روح ایثارگری و انقلابی زندگی کردن در جامعه تقویت شود مشکل امروز جامعه نبود روحیه جهادی و انقلابی بودن است... از لحاظ تقویت بنیه علمی در حد توان و امکاناتش توانست نیاز ویژه دانشجویان شاهد و ایثارگر را فراهم کند / از لحاظ فرهنگی هنوز به هدف خودمان که آگاه سازی دانشجویان نسبت به هویت ایثارگیشان می باشد نرسیدیم به دلیل ترس دانشجویان شاهد و ایثارگر از شناخته شدن در محیط دانشگاهی و به اصطلاح عوام دانشجویان که دانشجوی سهمیه ای هستیم و برخورد های نامطلوب سایر دانشجویان از هویتشان فرار می کنند. این یکسال اخیر این هویت ایثارگری دارد به نحوی خودش را نشان می دهد.

۴- بسیج: نیروی مردمی فعال و پشرو در جهت کمک به مستضعفین ایران و جهان
جامعه اسلامی: وحدت نیروهای علمی با آرمان های انقلاب
انجمن علمی: وحدت تفکر در تصمیم گیری های راهبردی دانشگاه
ستاد شاهد و ایثارگر: تقویت بنیه علمی فرزندان شاهد و ایثارگر و تقدیر از خانواده های آنها و زنده نگاه داشتن روحیه شهادت طلبی
دانشکده علوم تربیتی: پیشرو در تغییر و تحول در نظام آموزشی

جوایی می توانند پویایی جنبش
صداق همان جمله معروف
مود دانشجو موذن جامعه
نماز ملت قضا می شود

م تاثیرگذاری و عدم ارتباط
شده است؟

تشکل های دیگر چه تفاوت
هایی دارد؟

سایر زیر سریع و در حد چند
مان کنید

جامعه اسلامی +

علوم تربیتی و روانشناسی +

۱- دانشگاهها در پرورش افراد نخبه و تربیت نیروهای علمی جامعه و بکارگیری آنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی جایگاه ممتازی دارند

۲- در درون دانشگاه تشکل های دانشگاهی در تحقق این امر حرفهای زیادی برای گفتن دارند
محور فعالیت تشکل های دانشجویی باید تربیت نیروی انسانی با انگیزه و دغدغه مند باشد.

دانشجویان در محیطهای آکادمیک به مرور زمان اسیر روزمرگی می شوند چیزی که آفت دغدغه مندیست تشکلها سبب می شود دانشجویان از این روزمرگی کسل کننده خارج شود و خود را به چارچوب های تعیین شده محدود نکند دغدغه مند شود و آنچه در لابلای کتابها خوانده را با نیازهای روز جامعه تطبیق دهد. اگر اینگونه عمل کند به آن نقطه ای می رسد که شهید بهشتی جزو آمال و آرزوهایش بود و آن موذن جامعه شدن این که زمان تکلیف را پیش از همه بداند و به دیگران گوشزد کند.

۳- اگر دانسته های خود را با نیازهای جامعه تطبیق ندهیم، اگر بر اساس تکلیف فردی اجتماعی خود عمل نکنیم، اگر برای خدمت به جامعه نخوانیم، اگر علم را با حلم عجین نکنیم، اگر خودمان را تافته جدابافته از مردم بدانیم و صدها اگر دیگر دیر یا زود هم تاثیر

خود را از دست می دهیم هم توانایی ارتباط صحیح با جامعه را از دست می دهیم.

۳- تشکل انجمن علمی دانشجویی از همه سلیق فکری عضوگیری میکند ملاک عمل صرفاً کار علمیست. بجهت جهت گیری علمی دانشجویان بصورت بسیار گسترده تری از سایر تشکلها با آن ارتباط برقرار می کنند در نهایت فرصت بیشتری برای کار علمی فراتر از متون دانشگاهی برای دانشجویان فراهم میکند.

مسئله کار این تشکل کامل نبوده ولی توانسته ارتباط دانشجویان با اساتید و پیشکسوتان علمی را بصورت خیلی خوب ایجاد کند. در پوشش کار علمی توانسته دانشجویان را با پرسش های زیادی در باب آموخته هایشان فراهم کند. تفکر خودانتقادی دانشجویان را نسبت به آموخته هایشان بالا برده آنها را با محیطهای علمی متفاوتی آشنا کرده ژورنال کلابها سمینارها همایشها فعالیت های پژوهشی تنها بخشی از فعالیت های این مجموعه هست علاوه بر این که این تشکل با فعالیت های کاملاً تشکیلاتی خود، محمل خوبی است برای تربیت مدیران آینده نظام اسلامی ایران

سیده ریحانه یامی، روانشناسی ۹۴ | دانشجویی را دوست دارم

دانشجویی را دوست دارم
دانشجو بودن را دوست دارم؛
ای! دانشجویی را با همه در دسر هایش دوست دارم!
حتی با مشروطی ها، نمره کم گرفتن ها، چانه زدن ها، کنسل کردن
ها و حضور و غیاب ها؛
دانشجویی را با همه ی پارادوکس هایش دوست دارم!
چطور؟!
حال اول ترمم چگونه است؟! «این ترم را محکم تر از همیشه شروع می
کنم»!
سه چهار تا کتاب متفرقه ضمیمه کتابخانه ام میکنم که این ترم حتما
بخوانم؛ سرکلاس با جدیت جزوه نوشتن پرسیدن و پرسیدن!
البته!
آن چنان شور و عزم راسخی هم نیست؛
بازهم جبر خرید منبع از برای پاس کردن امتحانات عالیقدر!
با همه ی این پارادوکس ها، دانشجویی را دوست دارم
نه به خاطر کلاشش و نه بخاطر پز عالی که البته باید گفت جیب خالی!!
دوستان من! درست که در دانشکده ای سالخورده قدم میزنیم و روی صندلی
های روماتیسم گرفته اش می نشینیم و سرطان کمر میگیریم!!
درست که تمام روز را ماتم میگیریم اگر بدانیم که باید زمانی را با آموزش
عزیز بی قرارمان بگذرانیم؛ گاهی هم از سر اجبار به دیدارشان میرویم و
ایشان نیز از سر اختیار ساعات کاری را عاشورای دست جمعی می خوانند
(راستی، تعهد در کجای این دیدار ها و خوانش ها و جمع شدن ها گم
شده است؟!)
درست که دخترانمان شاکی اند از پسران همیشه نشسته بر اواخر کلاس و
پسرانمان که در اقلیت گیر کرده اند،
درست است که اردوهایمان نهایتا سه چهار کیلومتری مشهداند،
درست که غذای سلف گاهها سرد و بی مزه است و فقط گاهها..
درست است که ...
بس است مرور سختی های اندک شیرینمان...
و من هنوز هم دانشجوی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی بودن را دوست
دارم!
شاید به خاطر دوستانم! به خاطر فضای کوچک تشکل هایش! به خاطر
استادان عزیزش!
اصلا به خاطر همه ی خواب های شیرین اتاق ۲۲۳!
میدانید؟ فقط یک دانشجوی علوم تربیتی می تواند بفهمد ک چ لذت
سبزی دارد در بهار به سمت دانشکده قدم زدن و چه حال رها شده ای
خواهد داشت اگر که در پاییز، قصد دانشکده را بکنی!
و چه مزه گرمی دارد سوپ های تریا در زمستان..
با همه ی این ها، هنوز هم نمیدانم چرا دانشجوی بودن را دوست دارم! فقط
میدانم ک دوست دارم
همین!
و سرانجام کلامم اینکه ..
دوستان هم دانشکده ی من! روزتان مبارک!

فاطمه دهقانی، علم اطلاعات و دانش شناسی ۹۵ | دلنوشته ای برای روز دانشجو

به نام او که عزت دهنده هر جوینده دانشی است
سلامت میکنم ای تویی که میخوانی ام، سلامت می کنم ای
تویی که میبینی ام.
تو ای جوینده علم، تو ای جوینده برترین ها، جوینده پاکی
ها و درستکاری ها.
سلام میکنم بر تو ای جوینده عزت و اقتدار و ای نشان افتخار
ملت ها، ای مایه افتخار و سربلندی کشورها!
و ای تویی که جامعه با تکیه بر عقل و فهم و دانشت به
بالاترین قله های سرفرازی صعود می کنی.
روزها از پی هم میگذرند و هرروزش یادگاری است از دیروزها
امروزها و فرداها و این زندگی دنیایی ماست که همچنان
میگذرد اما در هیاهوی گذر بی صدای این ثانیه ها، روزی
است که متعلق به نام ارزشمند و مقدس توست و حال آنکه
شاید روزی بود که میتوانست فقط گذری عادی از توالی
روزها باشد،
اما کسانی همانند تو آنچنان تاریخ را مبهوت و حیران خود
کرده اند که تا همیشه نامهایشان همچون نگینی گرانبها
نشانی از افتخار و ایمان و غیرت و اراده ی جوانان این مرزو
بوم را بر روی لوح سنگی خود به یادگار حک کرده است
. نامشان و ارده شان تا همیشه در صفحه ی این تاریخ
همچون سووسوی نورهای خورشیدی درخشان از پشت
ابراهای تاریک و پر خروش میدرخشد و حال اکنون این اراده
شماسست که می تواند ابرهای تاریک و ضعیف و پوشالی
ظلم را با منبع نور و روشنایی وجودتان و با اقتدار کنار
زند و درهم کوبد و بشکند و تا ابد این خورشید تابان نورو
خوشبختی است که پیروز میشود و با نورش به همگان
زندگی میبخشد.
امروز روز توست و روز کسانی همچون تو
افتخار می شود به تو و امثال تویی که دانش را نه فقط
برای به دست آوردن مدرک بلکه برای کسب یک زندگی
پر از ترم دانش و روشنایی جویابند .
دانشجو! بودنت به جامعه حس زیبای اقتدار و سرفرازی
میدهد و داشتنت برای جامعه یادآور مزده رسان امید و آرزو
های بزرگ و دست نایافتنی است، همان آینده ی مملو از عزت
و خوشبختی .
این دلنوشته برای توست برای تویی که تاریخ هم به
نام توست

و تویی که میدانم که هنوز وهمچنان با عشق و ایمان خود،
دوباره این تاریخ را مبهوت و حیران خود خواهی کرد.
و تاریخ را که نه ، دنیا را مبهوت خود میگردانی
تو ای دانشجوی ایرانی

صدای ملت

شرح دیوانگی و حال و هوایش نرود
فکر میکرد ز کف تاج و قبایش نرود
تنگ طاعت چنان شد که خلیش نرود
سند غیرت ایران به بلایش نرود
آنچنان کو به بسی سال صدایش نرود
این خروش از دل ما بار خلیش نرود

یک دم از خاطر ماجور و جلیش نرود
پادشاهی که تکبر به خود و پادشاهی می ورزید
کشت بسیار کسان را صفت خون خواری
روزها سال شد و شانزده آذر شد
طبل رسوایی خود بر سر بازار بزد
تا نفس هست بگویم هلا مرگت باد

علوم انسانی از اسلامیزه تا ایرانیزه

کرده باشیم، نه این که یک تصور اجمالی داشته باشیم. هنر بزرگ شهید مطهری این بود که وقتی می خواست افکار دیگران را نقد کند، نظریه های آن ها را بهتر از خودشان تبیین می کرد. بارها از مارکسیست ها شنیده شد که ایشان نظریه های مارکسیستی را از خود ما بهتر تبیین می کند و به حق هم نقد می کرد.^۱

این که می بینید در بسیاری از زمینه های علوم انسانی عقب هستیم، به خاطر این است که در این زمینه ها برنامه ریزی نشده است. علوم طبیعی و تجربی چون نتایج دنیوی داشته، انگیزه زیاد بوده است. کار بنیادی در این موضوعات چون منافع مادی زیادی ندارد، باید با انگیزه های الهی انجام گیرد.

البته این کار، کار یک نفر یا دو نفر نیست، به یک مجموعه انسانی که دو خصلت را داشته باشند نیاز دارد: اولاً باورشان باشد که اینها باید تغییر کند. ثانیاً همت این کار را نیز داشته باشند. متأسفانه نه آن باور وجود دارد و نه آن همت. فرض کنیم اکنون بعد از سی سال این تحوّل پیدا شده و با تأکيدات مکرر مقام معظم رهبری این باور پدید آمده است؛ اما اکنون آن جوان دانشگاهی که فوق لیسانس یا دکترای روانشناسی دارد و می خواهد در این زمینه اقدام کند، چه کاری باید انجام دهد؟ چه کسی باید نظریه پردازش باشد؟ افکار اسلامی را از کجا باید یاد بگیرد؟ چه قسمتی از این علوم باید تغییر کند؟

البته از همان سی سال قبل پیش بینی شده بود که ما باید کارمشرکی بین اساتید حوزه و دانشگاه داشته باشیم تا این نقاط ضعف و خلاء به کمک هم حل شود، ولی کمبود نیروی انسانی و کمبود باور حتی در خود ستاد انقلاب فرهنگی آن زمان نیز وجود داشته و چنین باوری حقیقتاً شکل نگرفته بود و صرفاً چون امام فرموده بودند مجبور می شدند تا قبول کنند؛ ولی در دلشان باوری شکل نگرفته بود. و اکنون پس از آن سالها هنوز نمی دانیم چند درصد از دست اندرکاران این حوزه ها و متصدیان این امور، به این تحوّل اساسی و ضروری، باوری حقیقی دارند!

- ۱- مصباح یزدی، محمد تقی، بازخوانی سخنان آیت الله مصباح یزدی در مورد پالایش علوم انسانی، خبرگزاری فارس، حوزه آئین و اندیشه.
- ۲- مصباح یزدی، محمد تقی، سخنرانی در هجدهمین نشست انجمن فارغ التحصیلان مؤسسه امام خمینی قدس سره، ۸۸/۸/۱۵.

در شماره ی پیش اشاره شد: که اگر روانشناسی را علم مطالعه روان و رفتارهای موجودات زنده خصوصاً انسان بدانیم، به جرئت می توان گفت که اسلام تماماً روانشناسی محض و ناب است، حال سوال اینجاست که آیا روانشناسی کنونی رنگی از اسلام به خود دارد؟ آیا این اسلام تماماً روانشناسی و این روانشناسی ناب اسلامی در عرصه ی علم بومی جایگاهی دارد؟ به نظر می رسد جهت دستیابی به پاسخ لازم است به بررسی بومی سازی شدن یا نشدن علوم خود پردازیم.

منظور از بومی سازی و اسلامی کردن علوم، صرف تعویض اصطلاحات نیست، بلکه تغییر جهان بینی ها و استفاده از منبع وحی در تولید علم است. گزاره هایی که به نام علوم انسانی شناخته می شود و در اطرافش کتابها نوشته شده، خاستگاهش مغرب زمین است و خواه ناخواه تأثیر فرهنگ و ادبیات غرب در آنها تعبیه شده است. اصطلاحاتش با همان اصطلاحاتی که موافق فرهنگ غربی است شکل گرفته است و سردمداران و صاحبان نظریه های معروف آن، عمدتاً اهل مغرب زمین هستند. کتابهای دانشگاهی ما نیز با اندکی تغییر، ترجمه های است از کتابهایی که در اروپا و آمریکا نوشته شده است. یک یا چند مثال اروپایی را برداشته اند، مثال ایرانی گذاشته اند و به اصطلاح بومی سازی شده است. تا آنجا که مربوط به اصطلاحات و ادبیات باشد، شاید مشکلی ایجاد نشود؛ ولی بحث های دیگری نیز هست که به بینش ها و جهان بینی ها برمی گردد. مسأله اینجاست که یک اصطلاح بار فرهنگی خواهد داشت.^۱

مشکل ما تاکنون خودباختگی بوده است. فکر می کردیم نهایت علومی که می توان آموخت، ترجمه ی مطالبی است که دانشمندان غربی در اختیار ما قرار داده اند. جوانان ما را این طور تربیت کرده بودند که خودتان در این زمینه ها چیزی ندارید. اگر چیزی یاد بگیرید، همین هاست که ما به شما می دهیم، همان طور که در زمینه صنعت و تکنولوژی القا شده بود. این روزها آن چه برای ما مهم شده این است که با توجه به این که در یک شرایط اجتماعی و سیاسی بسیار استثنایی در طول تاریخ قرار گرفته ایم، روح خودباوری و اعتماد به نفسی که در جوانان بیدار شده است را تقویت کنیم تا در حرکتی که آغاز شده، قدم های بلندی بردارند. امروز این امکانات فراهم شده که بتوان احساس استقلال فکری کرد، جرئت نقد افکار دیگران را پیدا کرد، البته نقد بعد از فهم صحیح. زمانی واقعاً نقد ما پذیرفته و قابل قبول است که حرف طرف مقابل را درست درک





اخبار و اعلان های خانه نشریات



ارشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه دریافت حمایت مالی



نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

UM

نحوه ثبت ارشیو نشریه

اسناد و آئین نامه ها

دستور العمل نشریات دانشگاهی



اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

مشهد

شگاه فردوس

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

در سایت سند



آرشیو بروز نشریات دانشجویی

